

معرفی و نقد کتاب

اکوکریتیسیم^۱

داوود عمارتی مقدم

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

کتاب گرگ گرارد^۲ با عنوان *اکوکریتیسیم* را می‌توان نخستین درآمد جامع به این نظریه دانست. مؤلف با بررسی دگرگونی‌های تاریخی اکوکریتیسیم، خواننده را با کلیدی‌ترین استعاره‌های موجود در این حوزه از قبیل آلودگی، صحرا، آخرالزمان، سکونت، حیوانات و زمین آشنا می‌کند. در عین حال، این کتاب فقط به معرفی اکوکریتیسیم و بررسی مسائل زیست‌محیطی در ادبیات محدود نشده و جایگاهی مستقل را به میان می‌کشد که گشاینده فصلی نو در بررسی‌های زیست‌محیطی و اکوکریتیسیم است. نگرش گرارد، انتقادی است؛ به این معنا که علاوه بر معرفی مفاهیم و جریان‌های خاص اکوکریتیسیم، میزان ایدئولوژیک بودن هریک از آن‌ها را نیز نشان داده و مدعی است که هریک از این مفاهیم که او آن‌ها را استعاره‌های فراگیر می‌نامد، برای ایجاد تأثیر اجتماعی و سیاسی خاصی شکل گرفته است. این کتاب یکی از سلسله‌کتاب‌های مجموعه *اصطلاحات انتقادی جدید* است که با هدف فراهم کردن درآمدی جامع و روشن به اصطلاحات رایج در نقد و نظریه معاصر به چاپ می‌رسد.

معرفی نویسنده

گرگ گرارد مدرس دانشگاه بت اسپا^۳ در انگلستان است و علاوه بر اکوکریتیسیم، مواردی چون ادبیات کانادا و ایرلند، داستان اتوپییایی، شعر، نظریه ادبیات و فلسفه

ادبیات نیز در حوزه تخصص او قرار می‌گیرد. او فوق لیسانس خود را در زمینه اکوکریتیسیم از دانشگاه ولز سوان سی و دکترای خود را از دانشگاه لیورپول گرفته است. در حال حاضر او رئیس انجمن انگلیسی بررسی ادبیات و محیط زیست^۴ و عضو آکادمی آموزش عالی است.

معرفی اکوکریتیسیم

اکوکریتیسیم در گسترده‌ترین معنای آن بررسی رابطه میان ادبیات و محیط زیست یا به بیان دیگر، بررسی «رابطه میان امر انسانی و غیرانسانی» است (ص ۵). به ظاهر نخستین بار، ویلیام روئکرت^۵ این اصطلاح را در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات و اکولوژی: تجربه‌ای در اکوکریتیسیم» به کار برد؛ اما اکوکریتیسیم به عنوان حوزه‌ای مستقل در نظریه و نقد ادبی، از سال ۱۹۹۶م. و با انتشار دو کتاب *قرائت‌نامه اکوکریتیسیم* ویراسته چریل گلاتفلتی^۶ و هارولد فرام^۷ و *تخیل زیست‌محیطی* اثر لاورنس بوئل^۸ رسمیت یافته است. منتقدان زیست‌محیطی، هدف عمده خود را از میان بردن تقابل انسان/طبیعت یا فرهنگ/طبیعت می‌دانند و بر آنند که نگاه انسان‌مدارانه به جهان مهم‌ترین دلیل ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی است. در این میان، هنر و ادبیات برخی دوره‌های خاص (نظیر دوره رمانتیک) می‌تواند جایگزینی برای این نگاه انسان‌مدارانه فراهم آورد؛ زیرا در آثار شاعران و نقاشان رمانتیک بود که نخستین بار، طبیعت نه به مثابه پس‌زمینه‌ای برای فعالیت‌های انسانی، بلکه همچون موجودیتی مستقل و یکپارچه مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت. در دوره‌های بعدی نیز این گرایش خاص رمانتیک در آثار کسانی چون هنری دیوید ثورو^۹ و جان مور^{۱۰}، با برتری دادن طبیعت وحشی و دست‌نخورده بر تمدن و فراورده‌های آن ادامه یافت. عامل دیگری که در گسترش رویکرد طبیعت‌مدارانه به جهان نقش داشت، نظریه‌های داروین^{۱۱} بود که انسان را نه محور طبیعت، که تنها جزئی از آن - در کنار دیگر اجزاء - می‌پنداشت و تمامی عناصر طبیعت را به یکدیگر وابسته می‌دانست. این دو عامل در کنار یکدیگر باعث شدند تا انگاره «سروری انسان بر طبیعت» با تردیدهای جدی روبه‌رو شود.

معرفی کتاب

کتاب *اکوکریتیسیم* در هشت فصل تنظیم شده و در پایان، واژه‌نامه تخصصی اصطلاحات اکوکریتیسیم، منابعی برای مطالعه بیشتر و کتاب‌نامه‌ای مفصل برای آشنایی خوانندگان نوآموز با دیدگاه‌های زیست‌محیط‌گرایانه نیز فراهم آمده است. نویسنده هریک از فصل‌های هشت‌گانه کتاب را -به جز فصل دوم- به‌مثابه یک مجاز در نظر می‌گیرد که به‌منظور ایجاد تأثیرات اجتماعی و سیاسی خاصی به‌وجود آمده است. در هر فصل، پیشینه تاریخی این مجازها بررسی می‌شود و علاوه بر معرفی متون کلیدی مربوط به هر مجاز، ناهمخوانی آن‌ها با انگاره‌های زمانه پسا مدرن نیز هویدا می‌شود. برخی از این مجازها، همچون «شعر شبانی»، «صحرا» و برخی شکل‌های خاص «سکونت»، به «انگاره فضایی بکر و دست‌نخورده که به‌واسطه اشتباه‌های انسان از میان رفته» دامن می‌زند، و برخی دیگر همچون آپوکالیپس نشان‌دهنده «ترس از یا امید به مقصدی نهایی برای ستیز انسان با طبیعت» است (ص ۱۷۵).

فصل اول «آغازها: آلودگی» نام دارد. نویسنده در این فصل به طرح مسئله می‌پردازد و موقعیت خاص اکوکریتیسیم را شرح می‌دهد. چالش عمده‌ای که بر سر راه منتقدان زیست‌محیطی قرار دارد این است که بی‌طرفی دانش ابژکتیو را باور ندارند؛ اما از آنجا که برخلاف دیگر نظریه‌های ادبی و فرهنگی بر وجود واقعیتی مستقل از زبان و ذهن پافشاری می‌کنند، ناگزیرند به دستاوردهای دانش اکولوژی گردن نهند. با توجه به این مسئله، نویسنده هدف کتاب خود را ایجاد برابری میان دیدگاه‌های اکوکریتیسیم و ادعاهای حقیقت‌محور دانش اکولوژی می‌داند (ص ۱۰). در ادامه این فصل نویسنده نخستین مجاز، یعنی آلودگی را مطرح می‌کند و تاریخ دلالت‌های رتوریک آن را به موازات رویکرد علمی و اکولوژیک به آن بررسی می‌کند.

در فصل دوم با عنوان «مواضع»^{۱۲}، نویسنده زیست‌محیط‌گرایی^{۱۳} را مجموعه‌ای از رویکردها و نگرش‌ها می‌داند که هر یک بحران زیست‌محیطی را به‌شیوه خاص خود درک می‌کنند. مهم‌ترین این رویکردها عبارت است از: وفورگرایی^{۱۴}، زیست‌محیط‌گرایی، اکوفینیسم، اکولوژی اجتماعی و اکومارکسیسم، اکوفلسفه

هایدگری و اکولوژی عمیق^{۱۵}. نویسنده اکولوژی عمیق را همچون نماینده دیدگاه‌های زیست‌محیط‌گرا می‌پندارد و جنبه‌های گونه‌گون آن را در سراسر کتاب بحث می‌کند. این رویکرد پرداختن به طبیعت را به‌خودی‌خود دارای اهمیت می‌داند، حال اینکه دیدگاه‌های دیگر توجه به بحران‌های زیست‌محیطی را تنها تا جایی روا می‌دانند که به رفاه و بهروزی انسان یاری برسانند و به‌بیان دیگر، دیدگاهی ابزارگرایانه در برابر طبیعت دارند.

فصل سوم به «شعرشبنانی» اختصاص دارد که به‌نظر نویسنده بیشترین سهم را در شکل‌دهی به تصور ما از طبیعت داشته است. در این فصل سه نوع شعر شبنانی: کلاسیک، رمانتیک و آمریکایی از یکدیگر تفکیک، و پیشینه هر یک به‌همراه شباهت‌ها و تفاوت‌ها بررسی می‌شود. نخستین نمونه‌های شعر شبنانی را تئوکریتوس^{۱۶} در قرن سوم پیش از میلاد سرود؛ اما اوج آرمانی‌سازی طبیعت را در اشعار شاعران رمانتیک سده هجدهم باید جست‌وجو کرد که در واکنش به انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های علمی دوران خود، تصویری شاعرانه و غیرواقعی از طبیعت و زندگی در روستا نشان می‌دادند (ص ۳۹-۴۸).

فصل چهارم با عنوان «صحرا»، به تاریخچه و دلالت‌های فرهنگی این استعاره مهم می‌پردازد و صحرا را نمودار رابطه‌ای اصیل و نوشونده میان انسان و زمین می‌داند (ص ۵۹). صحرا، برخلاف استعاره شعر شبنانی بیشتر تصویرگر تجربه مهاجران در دنیای جدید (به‌ویژه کانادا، امریکای شمالی و استرالیا) است (ص ۶۰). نویسنده برای نشان دادن میزان ایدئولوژیک بودن این استعاره، به طرح مفهوم «مسئولیت» در تقابل با «اصالت» می‌پردازد و بر این باور است که رویارویی با طبیعت دست‌نخورده هیچ‌گاه بدون پیش‌فرض صورت نمی‌گیرد (ص ۷۱). بوطیقای مسئولیت^{۱۷} در تقابل با بوطیقای اصالت^{۱۸} از آنجا که دانش اکولوژی را راهنمای خود قرار می‌دهد، عمل‌گرایانه‌تر است و به زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری هر مجاز نیز توجه دارد که همین امر باعث می‌شود کمتر در معرض خطر آلودگی به ایدئولوژی باشد (همان‌جا) گرارد در پایان این فصل، نقش استعاره «صحرا» را در ادبیات ملی کانادا بررسی می‌کند.

فصل پنجم، استعاره «آخرالزمان» را می‌کاود. نویسنده خاستگاه این استعاره را اندیشه پیامبر ایرانی، زرتشت می‌داند. او روایات آخرالزمانی را براساس نظر استیفن اولیری^{۱۹} بر دو الگوی جداگانه مبتنی می‌داند: تراژیک و کمیک. الگوی تراژیک معمولاً پایانی محتوم و فاجعه‌بار برای جهان تصور می‌کند، حال اینکه الگوی کمیک گشوده و بر تصادف مبتنی است. گرارد با تحلیل متون زیست‌محیط‌گرایی نوین، اعم از علمی و ادبی نشان می‌دهد که این متون اغلب بر رتوریک الگوی تراژیک و پیش‌بینی حوادث ناگواری مبتنی بوده‌اند که در صورت نادیده گرفتن بحران‌های زیست‌محیطی به‌طور قطع در آینده رخ خواهد داد. از آنجا که این پیش‌بینی‌ها اغلب کاهش‌دهنده و ناسازگار با واقعیت است، نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که کاربست الگویی کمیک، که جایی برای عدم قطعیت بازمی‌گذارد، مسیری است که اکوکریتیسیم باید در پیش گیرد. در واقع، چالشی که استعاره «آخرالزمان» در برابر اکوکریتیسیم قرار می‌دهد، برخاسته از این حقیقت است که روایات مربوط به پایان دنیا بیش از هر چیز به «تخیل» وابسته است (ص ۱۰۳)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این روایات بیش از اینکه بازتابنده بحران‌های مختلف باشد، پدیدآورنده آن است.

فصل ششم به «سکونت» اختصاص دارد. نویسنده تفاوت این استعاره را با استعاره‌هایی چون شعر شبانی و صحرا در این می‌داند که این استعاره‌ها تنها به درک ما از طبیعت شکل می‌دهند و شیوه‌ای برای زندگی عملی پیشنهاد نمی‌کنند، حال اینکه «سکونت» از آنجا که با تاریخ، زندگی و کار در پیوند است به‌طور مستقیم پای وظیفه و مسئولیت را به‌میان می‌کشد (ص ۱۰۸). گرارد دو نوع الگوی سکونت را از یکدیگر جدا می‌کند: سکونت روستایی^{۲۰} هماهنگی با طبیعت را با کار بر روی زمین جست‌وجو می‌کند و الگوهای بدوی‌تر سکونت که در دوره‌های پسین مطرح شده و با آرمانی‌سازی زندگی بومیان (همچون سرخ‌پوست‌ها) همراه بوده است. گرارد منشأ شکل‌گیری این تصورات از سکونت را بررسی می‌کند و کاستی‌ها و نارسایی‌های هر یک را نشان می‌دهد.

در فصل هفتم با عنوان «حیوانات»، نویسنده نخست دیدگاه‌های فلاسفه و منتقدان فرهنگی را در باب تقابل انسان/ حیوان شرح می‌دهد، سپس با طرح این نظر که در نظر گرفتن مرزی عبورناپذیر میان انسان و حیوان تا حد زیادی سلیقه‌ای است، به نوعی

رتوریک حیوانیت می‌پردازد که در توصیف روابط سیاسی و اجتماعی انسان به‌کار می‌رود (ص ۱۴۰). علاوه بر این، دوگانه انسان/ ماشین (روبات) نیز یکی از مسائلی است که به نظر گرارد می‌تواند مسیرهای تازه‌ای فراروی اکوکریتیسیم بگشاید؛ زیرا روبات به دلیل ساخته بشر بودن، بری از مسائلی چون هبوط و آرزوی بازگشت به طبیعتی دست‌نخورده است، و به همین دلیل از میان رفتن تقابل انسان/ ماشین، می‌تواند حوزه اکوکریتیسیم را از سلطه مجازهایی چون شعرشبانی، صحرا و آخرالزمان رهایی بخشد. در ادامه این فصل، نویسنده به بازنمایی فرهنگی حیوانات و حیات وحش در رسانه‌ها می‌پردازد و میزان سازگاری این بازنمایی‌ها را با واقعیت بررسی می‌کند و در پایان نتیجه می‌گیرد که دستاوردهای گفتمان‌های جهانی تازه‌ای چون تنوع زیستی، بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک نیز از مواردی است که آینده اکوکریتیسیم را تحت تأثیر قرار خواهد داد (ص ۱۵۹).

در فصل هشتم با عنوان «آینده‌ها: زمین»، نویسنده پس از بررسی نقش نهادها و رسانه‌ها در شکل‌گیری تصور ما از کره زمین، دو جریان مهم را در پیوند با درکی که امروز از سیاره خود داریم مطرح می‌کند تا از این راه مسیرهای تازه‌ای را برای آینده اکوکریتیسیم بدون آویختن به استعاره‌های مسئله‌سازی چون شعرشبانی و صحرا بنگارد (ص ۱۶۲). یکی از این دو روند، جهانی‌سازی است که نظارت بر محیط زیست را از نو سامان‌دهی خواهد کرد و دیگری فرضیه گایاست^{۲۱} که جیمز لاولاک^{۲۲} مطرح، و زمین را فراارگانیسمی زنده معرفی کرده که با وجود تمامی تغییراتی که توسط انسان در آن به وجود آمده، توانسته ثبات و هماهنگی خود را حفظ کند. نویسنده در پایان این فصل، با مروری بر مباحث فصول پیشین، مطالب را جمع‌بندی می‌کند و مسیرهایی را ترسیم می‌کند که به همخوانی بیشتر اکوکریتیسیم با اکولوژی پسامدرن منجر می‌شود (ص ۱۷۵-۱۸۱).

نقد روشی

مطالب کتاب براساس سیر تاریخی هر مجاز تنظیم شده و با نثری روشن و شفاف نوشته شده است. نقل‌قول‌های بسیاری از متفکران با رویکردهای مختلف آمده است که موجب می‌شود خواننده مسائل مطرح‌شده را از زوایای گوناگون ببیند. گرارد علاوه بر

طرح انتقادات خود، به طرح انتقادهای پژوهشگران حوزه اکوفمینیسم، اکومارکسیسم و غیره نیز پرداخته و با بررسی انتقادی آرای آنان سیر تحول حوزه اکوکریتیسیم را نیز نشان داده است. اگرچه این مزیتی به‌شمار می‌آید، گاه باعث شده است تا موضع‌گیری‌های نویسنده فراتر از چارچوب یک «درآمد» به‌نظر برسد.

نقد محتوایی

از زمان طرح زبان‌شناسی ساختگرا توسط سوسور^{۳۳}، اغلب نظریه‌های ادبی معاصر بر این گمان استوار بوده که زبان و واقعیت دو نظام مستقل از یکدیگر است و کارکرد هریک بر مبنای منطق درونی خود آن‌ها تبیین می‌شود. از معدود نظریه‌های ادبی که همچنان به پیوند ادبیات و واقعیت پایبند می‌باشد اکوکریتیسیم است که بازتاب مسائل زیست‌محیطی را در ادبیات جست‌وجو می‌کند. در تمامی رویکردهای اکوکریتیسیم این پندار زیست‌محیط‌گرایانه مشترک است که حفاظت از طبیعت در مقابل تهدیدهای فرهنگی و تکنولوژیک اولویت دارد؛ اما عده‌ای نیز براین باورند که تصورات ما از «طبیعت»، خود ابزاری بوده است برای مشروعیت بخشیدن به برخی هنجارهای طبقاتی، نژادی و جنسی. منتقدان اکومارکسیست و اکوفمینیست را می‌توان از این دسته دانست. گرگ گرارد نیز با اینکه برای مثال، دیدگاه‌های منتقدان اکوفمینیست را تا حد زیادی غیرعقلانی و بر تقابل کاهنده جنسیتی مبتنی می‌داند (ص ۱۷۷)، در این گمان با آنان مشترک است که تصورات ما از طبیعت، چندان با واقعیت همخوان نیست. اگرچه او در پی این است که نشان دهد چگونه کاربرد مجازهایی خاص در حوزه اکوکریتیسیم می‌تواند تصوراتی کاملاً آرمانی و غیرواقعی از طبیعت را به‌وجود آورد، معیار او نه هنجارهای جنسیتی و طبقاتی، که میزان همخوانی این تصورات با دستاوردهای دانش امروزی اکولوژی است.

با توجه به مطالب یادشده، کتاب را از دو جنبه می‌توان ارزیابی کرد. از یک‌سو، کتاب گرگ گرارد نشان‌دهنده خودآگاهی‌ای است که در حوزه اکوکریتیسیم به عرصه ظهور رسیده و در این کتاب مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. به‌طور کلی، مهم‌ترین وجه تمایز این اثر با دیگر آثار این حوزه، در نظر گرفتن فرهنگ به‌مثابه نوعی رتوریک

(رتوریک در معنای تولید، بازتولید و دگرگونی استعاره‌های فراگیر) (ص ۷) است که با تولید استعاره‌هایی خاص از قبیل صحرا، آخرالزمان و... به تصورات ما از طبیعت شکل می‌دهد. بدین ترتیب، مسائل زیست‌محیطی بیش از اینکه به دانش اکولوژی مربوط باشد، به مسائلی سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، میزان روشن‌بینی مؤلف در معیار قرار دادن دستاوردهای دانش اکولوژی نیز قابل توجه است؛ زیرا به نظر او این حوزه علمی نیز دستخوش دگرگونی‌ها و تغییراتی شده است (ص ۱۴). استدلال او در این مورد چنین است که استعاره‌های این حوزه چنان ژرف و فراگیرند که حتی «بسط مراحل اولیه دانش اکولوژی» را نیز می‌توان «تحت تأثیر شعر شبانی» دانست (ص ۳۳). با وجود تفاوت‌هایی که سه نوع شعر شبانی با یکدیگر دارند، تمامی آن‌ها در ایجاد تصویری ایستا، متعادل و هماهنگ از طبیعت با یکدیگر مشترک‌اند (ص ۵۷)؛ تصویری که با آموزه‌های سنت یهودی-مسیحی و نیز برداشت یونانی-رومیایی از طبیعت که آن را پیرو نظمی الهی می‌داند همخوان است. این تصور از طبیعت در دانش اکولوژی چنان پایدار است که حتی با وجود تردیدهای فزاینده اکولوژیست‌های پسامدرن در مفهوم «تعادل طبیعت» نیز همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد (ص ۵۶). در واقع مؤلف، به گفته خود، در فصول بسیاری از این کتاب می‌کوشد تقابل میان «اکولوژی عوامانه شعر شبانی» و «اکولوژی جدید پسامدرن» را روشن سازد که بر این باور است: «طبیعت دست‌نخورده دارای شکل، ساختار و نسبت ثابتی نیست، بلکه در هر مقیاسی از زمان و مکان تغییر می‌کند.» (ص ۵۸)

آنچه مؤلف با طرح این دوگانگی می‌کوشد نشان دهد این است که امید رمانتیک‌گونه به بازیابی اصالت طبیعت همان‌قدر افراطی و موهوم است که اعتقاد به اینکه طبیعت جز وانموده‌ای از فرهنگ نیست (ص ۱۷۹). این تصورات نادرست هنگامی سر برمی‌آورد که پیوند میان طبیعت و فرهنگ، ایستا و تغییرناپذیر پنداشته شود. حال اینکه بنابه حکم نهایی نویسنده، «اکوکرییتیسیم»، برای پرهیز از ایجاد تصورات سست و پوچ از طبیعت، «ناگزیر است مفهوم عمل‌گرایانه و متغیر رابطه فرهنگ و طبیعت را بپذیرد که در این کتاب پیشنهاد شده است.» (همان‌جا).

اگرچه برخی پیش‌فرض‌های مناقشه‌انگیز در کتاب گرارد (نظیر ارتباط تأملات هایدگر در باب سکونت با گرایش‌های سیاسی او) مسلم دانسته شده و هیچ استدلالی درباره آن ارائه نشده است (ص ۱۱۲)، در مجموع، کتاب گرارد به دلیل اهمیتی که به دستاوردهای علمی معاصر می‌دهد و مفهوم «واقعیت» به معنای امروزی آن را به مباحث اکوکریتیسیم باز می‌گرداند، گشاینده افق‌های تازه‌ای در حوزه اکوکریتیسیم است؛ به گونه‌ای که اکوکریتیک‌ها از در اتخاذ موضعی در برابر آن ناگزیرند. گذشته از این استعاره‌های مورد نظر نویسنده ابزارهای تحلیلی نوینی را در اختیار منتقدان این حوزه قرار می‌دهد که موجب می‌شود این کتاب سهم عمده‌ای در فراتر بردن تحلیل‌های اکوکریتیسیمی از مرزهای کنونی آن داشته باشد.

پی‌نوشت

1. *Ecocriticism*. By Greg Garrard. London and New York: Routledge. 2004. xii+203pp.
2. Greg Garrard
3. Bath spa
4. ASLE-UK
5. William Rueckert
6. Cheryll Glotfelty
7. Harold Fromm
8. Lawrence Buell
9. Henry David Thoreau
10. John Moor
11. Darwin
12. Positions
13. Environmentalism
14. Cornucopia
15. Deep Ecology
16. Theocritus
17. Poetics of Responsibility
18. Poetics Of Authenticity
19. Stephen Oliri
20. Georgic
21. Gaia
22. James Lovelock
23. Suassur

منابع

- Buell, Lawrence. (1995). *The environmental imagination: Thoreau, Nature writing, and the Formation of American Culture*. Cambridge, MA and London, England: Harvard University Press.
 - Glotfelty, Cheryl and Harold Fromm (Eds). (1996). *The Ecocriticism Reader: Landmarks in Literary Ecology*. Athens and London: University of Georgia.
 - Fisher, John A.(2003). "Environmental Aesthetics" in *The Oxford Handbook of Aesthetics*. Ed. Jerrold Levinson. Oxford University Press. pp 667-679.
 - David Mazel (Ed.). (2001). *A Century of Early Ecocriticism*. Athens: University of Georgia Press.
 - Glen A. Love. (2003). *Practical Ecocriticism: Literature, Biology, and the Environment*. Charlottesville: University of Virginia Press.
 - Garrard, Greg. (2004). *Ecocriticism* London and New York: Routledge. xii+203pp.
 - Jonathan Bate. (2000). *The Song of the Earth*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
 - James C. McKusick.(2000). *Green Writing: Romanticism and Ecology*. New York: St. Martin's Press.
 - Annie Merrill Ingram et al. (Eds.). (2007). *Coming into Contact: Explorations in Ecocritical Theory and Practice*. Athens. University of Georgia Press.
 - Rueckert, William.(1978). "Literature and Ecology: An Experiment in Ecology".*Iowa Review*.9.1 .pp. 71-86.
 - Janice Fiamengo (Ed). (2007). *Other Selves: Animals in the Canadian Literary Imagination*. Ottawa: University of Ottawa Press (Reappraisals: Canadian Writers).
 - Patrick D. Murphy. (2000). *Farther Afield in the Study of Nature-Oriented Literature*. University Press of Virginia.
 - David Perkins. (2000). *Romanticism and Animal Rights*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
 - Steven Rosendale (Ed.). (2002). *The Greening of Literary Scholarship: Literature, Theory, and the Environment* . Iowa City: University of Iowa Press.
- > (Journal of Ecocriticism)<http://www.ecocriticism.ca> -<
<http://en.wikipedia.org/wiki/Ecocriticism>

Formulas in the Romance of *Amir Arsalan*

Hadi Yavari

Ph. D. Student in Persian Language and Literature Ferdowsi University

Formula is a structural element of popular romances. This essay analyzes the situation of this element in the romance of Amir Arsalan. First, the concept of formula in the field of oral composition is defined; then functional arrangement of formulas is presented (formulas construct linear process of the story, shape the space of the story and dialogical formulas); afterward, through analyzing the subset of this three major groups, qualitative and quantitative effects of the factors such as literary tradition, naqqali's (storytelling) tradition, naqqal (the storyteller), addressee, writer, social setting and other factors depending on this romance have been demonstrated. It should be pointed out that among the above factors the influence of epic and lyric text and artistic prose, domination of metaphorical pole of language and poetic quality of the text and sensible effect of the addressee and the writer of romance (Naser al-din shah and Fakhr al-dowleh) on the process of creating the romance have been also influential.

Keywords: *Amir Arsalan*, Formula, Naqqali (storytelling), Popular